



امام رضا سلام الله و صلواته عليه:

ان بسم الله الرحمن الرحيم اقرب الى اسم الله الاعظم من سواد العين الى بياضها

بسم الله الرحمن الرحيم، به اسم اعظم خداوند

نزدیکتر از سیاهی چشم به سفیدی اش است. عیون اخبار الرضا ج ۱

بسمه تعالی

کلیات بحث (۱)

# تهدیدات، آسیب‌ها و مقدورات

«نداشتن تحلیل نظری از پیدایش و مراحل تکامل»  
"انقلاب"

کمیسیون سیاسی - امنیتی، دفاعی

استاد: حجة الاسلام والمسلمین دکتر مسعود صدوق

تهیه و تنظیم: محمد باقر حبی

اسفند ماه ۱۳۷۶

یکشنبه ۷۶/۱۲/۲۴

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	۱- طرح موضوع
۱	- تهدیدها
۱	- آسیبها
۱	- مقدورات
۲	۲- سطوح بررسی تهدیدات، آسیبها و مقدورات
۲	۲-۱- سطح خرد
۳	۲-۲- سطح کلان
۴	۲-۳- سطح توسعه
۵	۳- جدول تهدیدات، آسیبها و مقدورات بر مبنای خاستگاه فلسفی نظام ولایت
۶	۴- توضیح جدول تهدیدات، آسیبها و مقدورات
۶	۵- سطوح آسیبها
۷	۱- آسیبها و تهدیدات تکاملی
	۲- آسیبها و تهدیدات ساختاری
	۳- آسیبها و تهدیدات اجتماعی
۷	۱-۱- خلاء وجود استراتژی در سطح توسعه
۷	۱-۱-۱- نداشتن تحلیل نظری از پیدایش انقلاب
۸	اقامه کلمه توحید، انگیزه پیدایش انقلاب
۹	۱-۱-۲- نداشتن تحلیل از مراحل تکامل انقلاب
۱۰	۱-۱-۳- درگیری مدیریت سطح حادثه‌سازی با مدیریت سطح برنامه‌ریزی «کلان»

- ۱۰-۶- نمونه‌هایی از عوارض عدم تحلیل صحیح از انقلاب
- ۱۰-۶-۱- نداشتن تحلیل صحیح از انقلاب دوم و سقوط دولت موقت
- ۱۲-۶-۲- نداشتن تحلیل صحیح از هشت سال دفاع مقدس
- ۱۲-۶-۳- نداشتن تحلیل صحیح از تهاجم فرهنگی بعد از اتمام جنگ

### ۳- جدول تهدیدات، آسیب‌ها و مقدمات

آسیب‌ها و تهدیدات اجتماعی			آسیب‌ها و تهدیدات ساختاری			آسیب‌ها و تهدیدات تکاملی			
۳/۳	۳/۲	۳/۱	۲/۳	۲/۲	۲/۱	۱/۳	۱/۲	۱/۱	
عدم توازن در ارضای نیازمندی‌های خطراتی	عدم توازن در ارضای نیازمندی‌های اجتماعی	عدم توازن در ارضای نیازمندی‌های اداری	سازماندهی	ساختارها	برنامه	خلأ سیستمی روشن نسبت موانع جبهی	خلأ نظام فکری برای انقلاب	خلأ وجود استراتژی در سطح توسعه	۱
۳/۳/۱	۳/۲/۱	۳/۱/۱	۲/۳/۱	۲/۲/۱	۲/۱/۱	۱/۳/۱	۱/۲/۱	۱/۱/۱	
پدیده	سرمایه‌داران در نظام تصمیم‌گیری	ساختارهای اجتماعی برای حضور فعال مردم در نظام	حرس اجتماعی مولد روابط تصمیم‌گیری و تصمیم‌ساز کلان	ساختارهای ملای سیاسی	تحلیل معروضیت بوسیله قوانین تعریف	موضوعی‌های رهبری	عدم آرای منفی انتزاعی در سرپرستی کامل	نداشتن تحلیل نظری از پیدایش انقلاب	توسعه
۳/۳/۲	۳/۲/۲	۳/۱/۲	۲/۳/۲	۲/۲/۲	۲/۱/۲	۱/۳/۲	۱/۲/۲	۱/۱/۲	۲
صادر	حاکمیت سرمایه‌داران در نظام فرهنگی	عدم کفایت سواد بعنوان عامل هیجانی روابط اجتماعی	حد اجتماعی موارد روابط سازمانی	ساختارهای ملای فرهنگی	تحلیل معروضیت بوسیله قوانین تنظیم	ساختارها اجتماعی موجود	حسی بودن متوروزی دانشگاه	نداشتن تحلیل از مراحل کامل انقلاب	کلان
۳/۳/۳	۳/۲/۳	۳/۱/۳	۲/۳/۳	۲/۲/۳	۲/۱/۳	۱/۳/۳	۱/۲/۳	۱/۱/۳	۳
اولاد	حاکمیت سرمایه‌داران در نظام اقتصادی	بروز ناآهنج‌های رفتاری در نظام اداری	جران اطلاع انتظامی در نظام ساختار اداری موجود	ساختارهای ملای اقتصادی	تحلیل معروضیت بوسیله قوانین تعیین	پدیده‌های اجتماعی	حاکمیت مکتبیزم عرضه و تقاضا بر مدل برنامه	درگیری مدیریت سطح حلاله سازی با مدیریت سطح برنامه‌ریزی کلان	خرد

تاریخ تنظیم: چهارشنبه ۷۶/۱۱/۲۹ - تاریخ تهیه: چهارشنبه ۷۶/۱۱/۲۹

تنظیم: مسعود صدوق - کمیسیون: سیاسی امنیتی دفاعی

090009007



بسم الله الرحمن الرحيم

## تهدیدات، آسیب‌ها و مقدورات

### ۱ - طرح موضوع

- تهدیدات، امری است که از سوی دشمنان داخلی و خارجی به منظور براندازی نظام مطرح می‌شود.

- آسیب‌ها، نقاط ضربه‌پذیری است که دشمن می‌تواند از طریق آن نفوذ کند و تهدیدات خود را عملی سازد. خلاءها، کمبودها و تعارضات.

- مقدورات، توانایی‌ها و امکاناتی است که در مقابل تهدیدات می‌توان از آنها استفاده کرد و نسبت به نقاط ضعف و آسیب‌پذیر آنها را آرایش داد.

شیوه مقابله با تهدیدات، شناخت آسیب‌ها و استفاده بهینه از مقدورات نیازمند مدل<sup>۱</sup> و برخورد قاعده‌مند است. ذیلأً به شرح آن می‌پردازیم.

اصولاً تهدیدات، آسیب‌ها و مقدورات حکومت و نظام را می‌توان به لحاظ متغیرهای درونی، بیرونی و نسبت بین این دو در سه سطح مورد بررسی قرار داد.

---

۱ - جهت آشنایی با مدل تعاریف می‌توانید به کتاب روش تولید تعاریف کاربردی، مراجعه کنید.

مراجعه فرمائید.

## ۲ - سطوح بررسی تهدیدات، آسیب‌ها و مقدمات

۲-۱- سطح خرد

۲-۲- سطح کلان

۲-۳- سطح توسعه

### ۲-۱- سطح خرد

در سطح خرد نسبت به عوامل موثر بر نظام و تهدیدات آن موضع‌گیری انفعالی صورت می‌پذیرد. موضع انفعالی، موضع‌گیری خرد است. یعنی در مقابل تهدیدات و عوامل داخلی و خارجی موثر بر نظام موضع‌گیری خود را در چارچوب نظام بین‌المللی تعریف کنیم و همان اصول و حقوق را قبول کنیم و رفتار و قوای خودمان را بر اساس آن استانداردها و قوانین ارزیابی کنیم و بر آن اساس جایگاه و قدرت تحرک خودمان را نسبت به قوای بزرگتر تعریف کنیم و بر در همان محدوده‌ای که برای ما تعیین کرده‌اند به خود اجازه تحرک دهیم. در این رویکرد نظم نوین جهانی، در واقع بیانگر مقدار تحرکی است که برای هر حکومت و نظام سیاسی در ساختار سیاسی نوین جهان تعیین می‌شود و هر کشوری متناسب با شرایط خاصی که دارد از یک مقدار تحرک برخوردار می‌شود. در این سطح از موضع‌گیری کارشناس سیاسی در موضع‌گیری خود، همان توزیع قدرت سیاسی را که از طرف جهان استکباری به انحاء مختلف و در قالب مفاهیم علمی ارایه می‌گردد، مدنظر قرار می‌دهد و نسبت به انقلاب و اسلام کمتر توجهی از خود نشان می‌دهد و یا اگر هم به این متغیرها توجه دارد، این پدیده‌ها را نیز در همان شرایط و روابط سیاسی و اجتماعی مورد تحلیل قرار می‌دهد و بر این اساس موضع‌گیری می‌نماید. پرواضح است که در این سطح،



موضع‌گیری کاملاً منفعلانه خواهد بود و در عمل امکان هر نوع ابتکار و خلاقیت منتفی می‌گردد.

## ۲-۲- سطح کلان

در این سطح از بررسی، نظم نوین جهانی مطرود می‌شود، در موضع‌گیری موازین اصولی اسلام و انقلاب مورد توجه قرار می‌گیرد. ولایت و رهبری پذیرفته است و انگیزه‌های الهی و انقلابی مردم مورد تایید و تاکید قرار می‌گیرد. بر این اساس در مقابله با تهدیدات، موضع‌گیری غیرانفعالی اتخاذ می‌شود. در این رویکرد، اعتقاد به انقلاب الهی و انگیزه‌های مردمی در دفاع از انقلاب از یک طرف و اعتقاد بر باطل بودن نظامهای سیاسی حاکم بر جهان از طرف دیگر، باعث می‌گردد که کارشناس سیاسی در مواجهه با تهدیدات و عوامل مخرب داخلی و خارجی موضع‌گیری غیرانفعالی داشته باشد اما در این سطح، ارزیابی از مواضع و سیاست‌ها بر اساس یک مدل و ساختار صورت نمی‌پذیرد. «شهرک علمی» برای جریان یافتن مواضع حق و تصمیمات الهی بنا نمی‌شود، هر گونه موضع‌گیری، علی‌رغم غیرانفعالی بودن آن امری تخمینی، ذوقی و سلیقه‌ای است. از آثار مثبت این رویکرد، توان بسیج عمومی و وحله‌ای است، اما در درازمدت قادر نخواهد بود در مقابل تجاوزات و تهدیدات نظام‌یافته دشمن مقاومت نماید. پیروزی‌های موقت در مقابل بحران‌ها موثر نخواهد بود و در درازمدت به فرسایش و اضمحلال می‌انجامد.

جریان یافتن مواضع حق و تصمیمات الهی در شریان‌های نظام نیازمند مدل و قاعده است تا بتواند در درازمدت در مقابل موانع و تهدیدات ایستادگی نماید و دچار فرسودگی و اضمحلال نگردد. با چنین رویکردی است که برخوردهای وحله‌ای و انفعالی در نظام به حداقل ممکن کاهش می‌یابد و موضع‌گیریهایی

غیرانفعالی، برنامه‌ریزی شده و قاعده‌مند افزایش می‌یابد. این سطح از برخورد را سطح توسعه می‌نامیم.

### ۲-۳- سطح توسعه

در این سطح از موضع‌گیری با قبول اسلام، انقلاب و تداوم نهضت، اعمال استراتژی دفاع همه‌جانبه مورد توجه و تأیید قرار می‌گیرد و به دنبال انقلاب فرهنگی است. در این سطح، تهدیدات، آسیب‌ها و مقدرات مدل‌مند تعریف می‌شوند و بر اساس معادلات عینی پدیده‌های اجتماعی کنترل و هدایت می‌شوند. برای اسلام، کارایی عینی، قدرت اداره و کنترل قائل است و تعاریف و معادلات جدیدی را ارائه می‌کند که خارج از چارچوب‌های موجود عمل می‌کند و بر اساس جامعیتی که داراست بر آنها اشراف دارد و از همین بابت قادر به موضع‌گیری‌های غیرانفعالی خواهد بود.

با توضیح مختصری که از سطوح بررسی تهدیدات، آسیب‌ها و مقدرات ارائه شد، در این نوشتار از موضع توسعه جدول توزین و تعریف تهدیدات، آسیب‌ها و مقدرات بیان می‌شود.

## ۴ - توضیح جدول تهدیدات، آسیب‌ها و مقدورات

جدول مذکور بر اساس مدل تولید تعاریف کاربردی بر مبنای فلسفی خاستگاه نظام ولایت اجتماعی تنظیم شده است.

جدول دارای ۲۷ وصف است که حاصل بیان ارتباط سه وصف: ۱- آسیب‌ها و تهدیدات تکاملی ۲- آسیب‌ها و تهدیدات ساختاری ۳- آسیب‌ها و تهدیدات اجتماعی است که در سطر قرار گرفته‌اند و در تقاطع با سه وصف: ۱- توسعه ۲- کلان ۳- خرد که در ستون قرار دارند. هر کدام از اوصاف با ضرایب مخصوصی به بررسی یکی از عوامل می‌پردازد. برای مثال خانه شماره ۱/۱/۱ دارای ضریب ارزشی (۶۴) و خانه شماره ۳/۳/۳ دارای ضریب ارزشی (۱) است و به همین ترتیب هر کدام از وصف‌ها دارای یک ضریب ارزشی معینی خواهد بود که در آسیب‌شناسی و ارایه راهکارها باید مدنظر قرار گیرد. این ضرایب بیانگر آن است که عوامل مورد شناسایی در این جدول از با اهمیت‌ترین عامل تا کم‌اهمیت‌ترین عامل مورد توجه قرار می‌گیرند و در هر سطحی قابلیت تعریف و آسیب‌شناسی دارند. با توضیح فوق به شرح تفصیلی کلیات جدول می‌پردازیم.

## ۵ - سطوح آسیب‌ها

- ۱- آسیب‌ها و تهدیدات تکاملی
- ۲- آسیب‌ها و تهدیدات ساختاری
- ۳- آسیب‌ها و تهدیدات اجتماعی

## ۱- آسیب‌ها و تهدیدات تکاملی

آسیب‌ها و تهدیدات تکاملی، ارتباط نظام را با فلسفه تاریخ و توسعه نیازمندیها در موازنه با نظام کل عالم هستی نشان می‌دهد. سیر تکامل را واضح می‌نماید و سهم و تاثیر نظام را در جریان تکامل خودش بیان می‌کند و بر آن اساس می‌توان مقیاس تاثیر و یا مقیاس حضور در جامعه جهانی را اندازه‌گیری کرد.

آسیب‌ها و تهدیدات تکاملی خود به سه بخش تقسیم می‌شوند:

۱-۱- خلاء وجود استراتژی در سطح توسعه

۱-۲- خلاء وجود نظام فکری در تداوم انقلاب

۱-۳- خلاء وجود سیاست‌های روشن نسبت به جریان مواضع عینی

### ۱-۱- خلاء وجود استراتژی در سطح توسعه

#### ۱-۱-۱- نداشتن تحلیل نظری از پیدایش انقلاب

بعد از پیدایش انقلاب سیاسی، اولین نکته که برای جامعه علمی و کارشناسی ما مبهم بود، درگیری نظام جمهوری اسلامی با نظام کفر جهانی است. درگیری نظام جمهوری اسلامی با نظام کفر به دلیل اسلامی بودن نظام و انقلاب ایران اسلامی از یک طرف و کفرآمیز بودن نظام استکباری از طرف دیگر به درگیری دو نظام کفر و ایمان منجر می‌شود. این مفهوم برای نظام کارشناسی موجود قابل تعریف نبوده و نیست. در فلسفه تاریخ، درگیری دو نظام کفر و ایمان، هوی و تقوی جزء اصل موضوعه در تعریف دنیا و حیات دنیوی بوده و امری اجتناب‌ناپذیر است. درگیری کفر و ایمان منجر به پالایش انسان از آلودگی‌ها می‌شود و انسان را به سرشت پاک اولیه دعوت می‌نماید. استراتژی توسعه و تکامل نظام الهی در درگیری دائمی با کلمه کفر است (درون و بیرون).

نداشتن تحلیل نظری از پیدایش انقلاب در شرایط زمانی و مکانی فعلی از محوری‌ترین تهدیدات نسبت به تدوین استراتژی، سیاست‌گذاریها و خط‌مشی‌های اجرایی نظام است.

### اقامه کلمه توحید، انگیزه پیدایش انقلاب

نداشتن تحلیل نظری از اقامه کلمه توحید (انگیزه پیدایش انقلاب) در همان اوان پیروزی انقلاب منجر به جدایی ضدانقلاب از صفوف انقلابیون شد و افرادی که نفاق داشتند، نفاق‌شان به تدریج روشن شد، و خط‌آنها را از انقلاب و رهبری انقلاب جدا کرد. جدا شدن خطوط انحرافی از خط انقلاب، باعث شد که برخی از افراد و پیروان آنها و حتی خواص به دلیل نداشتن تحلیل صحیح و هماهنگ با رهبری از انقلاب جدا شوند و از این جهت انقلاب را مورد تهدید قرار دهند.

اقامه کلمه کفر در مقابل کلمه توحید از اهداف نظام استکباری است، ربوبیت اجتماعی، تاریخی و تکوینی ادعای همه سرمداران کفر جهانی است که در مقابل همه انبیاء و اولیاء الهی که از طرف خدای متعال برای نجات همه ملت‌ها مبعوث شده‌اند صف‌آرایی کرده‌اند تا کلمه کفر را اقامه کنند. اولیاء و انبیاء الهی نیز بدون عِدّه و عُدّه با قدرت غیبی و معجزه و اتکال به امداد حضرت حق سبحانه و تعالی در مقابل نظام کفر برای اقامه کلمه توحید با تمام قامت ایستادند و در این راه برای سعادت دنیا و آخرت و سیر تکامل انسان حامل کتاب آسمانی بودند. حضرت امام خمینی نیز با پیروی از انبیاء و اولیاء و بر حسب وظیفه الهی خود در جهت اقامه کلمه توحید قیام کردند و انقلاب اسلامی ایران را شکل دادند، این انگیزه در پیدایش انقلاب باید در نظام کارشناسی وارد شود.

## ۲-۱-۱- نداشتن تحلیل از مراحل تکاملی انقلاب

با پیروزی سیاسی انقلاب اسلامی ایران در ساقط کردن رژیم سلطنتی پهلوی تمامی اهداف انقلاب اسلامی محقق نشده است. با پیروزی سیاسی انقلاب اسلامی ایران، انقلاب متولد شده است و برای رسیدن به تکامل باید مراحل را طی کند تا به بلوغ برسد. در طی مراحل تکاملی که انقلاب طی می‌کند، بحران‌های متعددی را در پیش روی خود خواهد داشت که باید با موضع‌گیری صحیح در مقابل این بحران‌ها بتواند به درستی از عهده آنها بر آید و مراحل تکاملی را طی نماید. عبور موفق از بحران‌هایی که در مقابل جریان تکامل و رشد انقلاب می‌ایستند، نیازمند داشتن تحلیل صحیح از مراحل تکامل انقلاب است. اگر تحلیل در سطح پیدایش انقلاب متوقف شود و قدرت آنرا نداشته باشد تا مراحل تکاملی انقلاب را پیش‌بینی کند و از آنها تحلیل صحیحی ارائه نماید، طبعاً در جریان رشد انقلاب نخواهد توانست با آن همراه شود. پیش‌بینی مراحل تکامل انقلاب باید بر اساس همان انگیزه پیدایش انقلاب صورت پذیرد و اگر مبانی دیگری مطرح شود طبعاً چنین رویکردی نیز به انحراف خواهد انجامید، ارائه تحلیل‌های مادی و انحرافی از فرآیند تکاملی انقلاب و یا نقص و ناتوانی در ارائه تحلیل صحیح، نظام را دچار روزمرگی و یا انحراف خواهد کرد. قطعاً پس از انقلاب سیاسی، نظام باید با تولی به کلمات وحی ظرفیت جدیدی از تفاهم با منابع دینی و اولیاء الهی پیدا نماید تا بتواند با استفاده از فرمایشات معصومین (ع) و کتاب الله انقلاب فرهنگی را ترسیم نماید و بر اساس انقلاب فرهنگی نیازمندیهای تکاملی، صنفی و فردی نظام را تعیین نماید و بنیان نظام فن‌آوری و تمدن حقه الهی را پی‌ریزی نماید.

### ۳-۱-۱- درگیری مدیریت سطح حادثه‌سازی با مدیریت سطح برنامه‌ریزی «کلان»

اگر فلسفه تاریخ و تحلیل نظری از پیدایش انقلاب و ترسیم مراحل تکامل آن روشن نگردد، ولایت محوری و تصمیم‌سازی نسبت به حوادث جهانی با مدیریت سطح برنامه‌ریزی و علمی (یعنی کلان) درگیر می‌گردند و محوری‌ترین سطح آسیب و آسیب‌شناسی تهدیدات نظام در همین موضع تعیین می‌شود.

### ۶- نمونه‌هایی از عوارض عدم تحلیل صحیح از انقلاب

#### ۱-۶- نداشتن تحلیل صحیح از انقلاب دوم و سقوط دولت موقت

برای روشن شدن این نحوه آسیب‌شناسی می‌توان به مسأله تسخیر لانه جاسوسی اشاره کرد که نمودی عینی از استراتژی درگیری نظام کفر و ایمان است. این حرکت انقلابی توسط رهبر کبیر انقلاب، انقلاب دوم نام گرفت که بیانگر اهمیت و ارزشی بود که این حرکت در نظام سیاسی کشور داشت. این حرکت بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران که منجر به سقوط رژیم ستم‌شاهی شد، ریشه نظام طاغوت را هدف گرفت و سفارت آمریکا را به عنوان لانه جاسوسی و مرکز توطئه شناسایی و مورد حمله قرار داد.

این حرکت انقلابی از موضع استراتژی توسعه در نظام دارای تحلیل بود. اما نظام کارشناسی غربی که در آن زمان در دولت لیبرال (موقت) متجلی بود، قابلیت تحلیل آنرا نداشت و نتوانست هماهنگ با موضع‌گیری و تحلیل حضرت امام با آن برخورد کند، لذا در موضع انفعال، نتوانست چنین حرکتی را به لحاظ سیاسی هضم کند و در نهایت منجر به سقوط دولت موقت شد.

نداشتن تحلیل صحیح از پیدایش انقلاب و استراتژی انقلاب و مراحل تکاملی آن، باعث شد تا فاصله بسیار عمیقی میان نظام کارشناسی و تصمیم‌سازی ایجاد شود، در نتیجه دولت ساقط شد. بینش عمیق و درک صحیح از انقلاب و استراتژی آن توسط حضرت امام خمینی (قدس سره) و اعتقاد و ایمان مردم به انقلاب و استراتژی انقلاب باعث شد تا این حرکت انقلابی مورد تایید رهبر و مردم قرار بگیرد و در نهایت این حرکت علی‌رغم مخالفت‌های جهانی و نظام کارشناسی داخلی، به ثمر نشست و بعد از مدت کوتاهی ده‌ها و صدها جلد کتاب و اسناد در افشاء نقش این لانه جاسوسی در ایجاد بسیاری از مشکلات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی کشور چاپ و منتشر شد و برای همگان مشخص شد که نظام استکباری از هر زمان و مکانی برای ضربه زدن به انقلاب اسلامی ایران استفاده می‌نماید و تمامی حقوق و قوانین را نیز به راحتی زیر پا می‌گذارد.

اگر این تحلیل نظری به همه ابعاد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی انقلاب کشیده نشود و خصوصاً نظام کارشناسی موجود نتواند به استراتژی انقلاب دست یابد و آنرا در نظام کارشناسی خود جاری بنماید، فاصله بین مردم، مسوولین و تصمیم‌سازان انقلاب بیشتر می‌شود، لذا حفظ و تداوم انقلاب و دست‌آوردهای آن با خطر جدی مواجه خواهد شد.

اگر تحلیل صحیح و اصولی و منطبق با انقلاب و اسلام وارد نظام کارشناسی نشود و افراد از حرکت‌های نظام کفر بین‌الملل تحلیل صحیحی نداشته باشند، در مقابل شعارهای ظاهرپسندی همچون «دهکده بزرگ جهانی»، «زندگی مسالمت‌آمیز»، «احترام به عقاید»، «حاکمیت حقوق بشر بر سرنوشت انسانها»، «اداره عالم به وسیله عقل و تجربه»، «بی‌نیازی بشر از دین و امور ماوراء حس»، در صحنه اداره و هدایت و تکامل تمدن‌ها؛ چگونه موضع‌گیری خواهند کرد؟



طبیعی است که این افراد به تدریج به دلیل نداشتن تحلیل صحیح از مواضع انقلابی و اسلامی نظام، از آن جدا شوند، این یک تهدید جدی است.

## ۲-۶- نداشتن تحلیل صحیح از هشت سال دفاع مقدس

در مورد نداشتن تحلیل از مراحل تکامل انقلاب می‌توان به جنگ تحمیلی عراق علیه ایران اشاره کرد. حضرت امام خمینی (قدس سره) فرمودند، جنگ باید در رأس همه امور قرار بگیرد، اما برنامه‌ریزان بدون توجه به استراتژی انقلاب و مراحل تکاملی آن جنگ را از معیشت مردم جدا کردند، و عملاً جنگ منحصر به مناطق مرزی و جنگ‌زده شد و در پشت جبهه‌ها روال طبیعی و زندگی روزمره جریان پیدا کرد و همین امر باعث شد که دانشگاه‌ها و مراکز صنعتی و تجاری نتوانند خود را با جنگ هماهنگ نمایند و آنرا پشتیبانی سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بنمایند تا اقشار بیشتری جنگ را دنبال کنند، اگر چه حضرت امام (قدس سره) و یاران صدیق ایشان این فاصله را به حداقل رساندند مع‌هذا تاثیر خود را در جنگ گذاشت.

## ۳-۶- نداشتن تحلیل صحیح از تهاجم فرهنگی بعد از اتمام جنگ

در همین راستا، می‌توان به توسعه اقتصادی بعد از اتمام جنگ نیز اشاره کرد. با اتمام جنگ و هشت سال دفاع مقدس در یک جنگ نابرابر، دشمن تهاجم جدیدی را در جبهه فرهنگی آغاز کرد. زمانی که دشمن احساس کرد که تهاجم نظامی نتوانست مفید واقع شود و علی‌رغم تمام تلاش‌هایش به شکست انجامید، تهاجم فرهنگی را با تمام شدت و حدت آغاز کرد. مقام معظم رهبری (مد ظله) با توجه به استراتژی انقلاب و شناخت صحیح از مراحل تکاملی آن و تهدیداتی که بر آن وارد بود اشاره کردند که نظام مورد تهاجم فرهنگی است و آنرا شبیخون فرهنگی خواندند تا توجه برنامه‌ریزان را به اهمیت این جبهه جدید در رویارویی

دو نظام کفر و ایمان بیشتر جلب نمایند، اما باز هم به دلیل همان نداشتن تحلیل صحیح از انقلاب و مراحل تکاملی آن و بر اساس نظام کارشناسی و تحلیل کارشناسی حرکت‌های اقتصادی در اولویت قرار گرفت، در نتیجه حرص و انگیزه‌های مالی در مردم که به دلیل جنگ و فضای معنوی دوران جنگ کاهش یافته بود به یک‌باره به غلیان افتاد و در مردم تقویت شود.

و همین روند فاصله بیشتری را میان مردم، مسؤولین و تصمیم‌گیران ایجاد کرد و بسیاری از نیروهای مومن را از خط اصلی انقلاب جدا کرد و در فضای مادی و تجمل‌گرایی غرق کرد.

ادامه دارد